

بازخوانی تحولات تاریخی شهر کرمان

با تکیه بر تبیین ساختار فضایی شهر از بنیاد تا پایان سده چهارم هجری*

ذات الله نیک‌زاد

استادیار گروه بافت‌های تاریخی، پژوهشکده ابنیه و بافت‌ها، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

(نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: z.nikzad@richt.ir

چکیده

شهر کرمان در جریان رویدادهای تاریخی، دچار دگرگونی و تحول شده است، از این رو خوانش گذشته‌های دور شهر با ابهام و کمبود بسیاری در منابع، اسناد و شواهد همراه است. در این نوشتار، تحولات شهر تا پایان سده چهارم هجری دنبال می‌شود که پیش از روزگار ساسانیان تا دوران فرمانروایی سامانیان و بویان را دربرمی‌گیرد. مطالعه بنیاد و تحولات شهری کرمان از لابلای سطور تاریخ و شواهد معماری و شهری به جای مانده، برای فهم ساختار فضایی شهر در هر دوره و الگوی تحولات آن، که هدف پژوهش است، صورت می‌گیرد. به سبب ابهامات فراوان، فهم ساختار گذشته شهر با تبیین و تحلیل داده‌ها ممکن می‌شود، و بنابراین پژوهش با روش «تفسیری تاریخی» پیش خواهد رفت. براساس یافته‌ها، شهر کرمان با نام «به‌اردشیر» در زمان اردشیر بابکان بر آبادی پیشین بنیاد یافت، که با برپایی دژها بر روی بلندی و ساخت شهر داخل حصار در پهنه دشت همراه بود. این ساختار فضایی با کم‌وبیش دگرگونی‌هایی در عناصر معماری و شهری و بافت اجتماعی، تا سده‌های نخست هجری حفظ شده بود. در سده چهارم هجری که این شهر مرکز ولایت شد، آبادی بیشتری یافت. نتایج نشان می‌دهد، سامانه زیستی شهر مشتمل بر: دژها، شارستان با چهار دروازه، باغات متصل و آبادی‌هایی در پیرامون بود که گامی در تکامل سازمان فضایی شهر شمرده شده و زمینه را برای تحولات دوره‌های بعد فراهم آورده بود.

کلیدواژه‌ها: شهر کرمان، پیشاساسانی تا سده چهارم هجری، الگوی تحولات شهری، ساختار فضایی شهر

* این مقاله برگرفته از بخشی از طرح پژوهشی مصوب با عنوان «تحولات شهری کرمان در نیمه دوم سده هشتم هجری» است که از مردادماه ۱۳۹۹ تا تیرماه ۱۴۰۰، توسط نویسنده در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به انجام رسیده است.

مقدمه

شهر کرمان در طول تاریخ، با نام‌هایی مانند: به‌اردشیر، گواشیر، بردسیر و درآخُر کرمان نامیده می‌شد. این شهر تا اواخر روزگار قاجاریه، با محله‌هایی چند محصور در حصار و بارو و شش دروازه گشوده به جهات گوناگون بود. قلعه دختر و قلعه اردشیر استحکامات مستقر بر کوهچه‌های کنار شهر بوده است. در پیرامون شهر روستاها و مزارع و باغات هم‌جوار، که با قنات مشروب می‌شدند، به‌فواصل گوناگونی قرار داشتند و مردم در آنجاها می‌زیستند. شهر در یک سده اخیر در پیرامون عرصه قدیم شهر رشد بسیاری کرده است (شکل ۱). با اقداماتی که پس از خیابان‌کشی‌ها و توسعه‌های دوره پهلوی اول، تا امروز صورت گرفته، بسیاری از ساختارها و عناصر تاریخی شهر قدیم ویران شده و برجای آن شریان‌ها، تأسیسات و ساختمان‌های جدید بنا شده است. دگرگونی‌های مداوم به وجود آمده در طول تاریخ، فهم سازمان و ساختار شهری گذشته‌های دور کرمان را با دشواری مواجه ساخته و اسناد نوشتاری تاریخی اندک‌شماری به‌جا مانده است. از این‌رو سامان دادن به داده‌ها و تحلیل و انطباق آن‌ها برای ارائه روایتی منسجم از تحولات تاریخی شهر اهمیت دارد. هدف این است که تحلیلی مستند از ساختار فضایی شهر در دوره‌های گوناگون، از روزگار پیشاساسانی تا آخر سده چهارم هجری به دست داده شود. براین اساس این پژوهش بر آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

تحولات به وجود آمده در ساختار شهری کرمان از زمان بنیاد تا انتهای سده چهارم هجری چگونه بوده است؟ ساختار فضایی شهر در هر دوره تحولی از چه الگویی تبعیت می‌کرد؟



شکل ۱. شهر امروز کرمان و موقعیت شهر قدیم داخل حصار، قلعه‌های تاریخی مشرف بر شهر و کوه شیوشگان
منبع: نقشه هوایی پایه از گوگل ارث، محدوده شهر و قلعه‌ها افزوده شده است

پیشینه پژوهش

تحولات تاریخی شهر کرمان موضوع اندک‌شمار پژوهش‌هایی بوده است. باستانی پاریزی در یک پژوهش تاریخی، شکل‌گیری و تحول شهر کرمان را از ابتدا تا دوره قاجاریه، عمدتاً با استناد به متون تاریخ محلی شرح داد. او با گرفتن و ماندگاری کرمان را بنا به ضرورت سیاسی و اقتصادی دانسته است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶). مرادی در «کنکاشی پیرامون شهر قدیم کرمان» اشارات موجزی به تحولات تاریخی شهر کرده و شهر

دوره قاجاری را به همراه معرفی برخی آثار معماری برشمرده است (مرادی، ۱۳۷۸، ۳۲۵-۳۶۴). پوراحمد در جغرافیا و ساخت کرمان تحولات شهری کرمان را مطالعه کرده که عمده آن شهر قاجاری را شامل می‌شود (پوراحمد، ۱۳۷۰). در مقاله‌ای که درباره سازمان فضایی شهر کرمان پیش و پس از اسلام است، بدون ارائه اسنادی متقن، شهر پیش از اسلام با وجود قلعه‌ها منطبق بر نظام طبقاتی و شهر پس از اسلام با توجه به ساخت شهر در پای قلعه‌ها متحول شده با ایده برابری و عدالت پنداشته شده است (منصوری، ۱۳۸۶). مقاله‌های دیگری درباره تحولات تاریخی شهر و برخی اجزای دیگر آن منتشر شده که از نظر استنادات تاریخی و ارجاع به شواهد جای تأمل دارند (کمانداری، ۱۴۰۰). پژوهش‌های باستان‌شناسی پراکنده‌ای در محدوده شهر کرمان صورت گرفته که اصلی‌ترین آن گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم قلاع کرمان یا بررسی هنگام خاک‌برداری‌های مرمتی بوده است. ریاحیان آثاری در گمانه‌زنی و خاک‌برداری قلعه‌ها به دست آورده که شامل مواد فرهنگی از روزگار اشکانی (به گمان)، ساسانی و پس از اسلام بوده است (ریاحیان گهرتی، ۱۳۹۸؛ امیرحاجلو و دیگران، ۱۳۹۹) اما جای کشفیات یا تحلیل‌های باستان‌شناسی در ارتباط با آثار معماری و شهری خالی است. از نظر توجه به تحولات ساختار شهری و سازمان فضایی می‌توان به پژوهش هانس گوبه درباره شهر بم در سده‌های نخستین هجری اشاره کرد و اهمیت آن از این روی است که این شهر در منطقه کرمان قرار دارد. او شهر بم را براساس منابع جغرافیای تاریخی، تابع الگوی شهرهای دارای حصار و بساطین بیرون از شهر در پیرامونش شناسانده است (گوبه، ۱۳۶۵، ۳۰۲-۳۱۹). مقاله «تحولات ساختار فضایی کالبدی شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن» عواملی همچون طبیعی - محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی، انسانی و کالبدی را مهم برشمرده است (منتظری و دیگران، ۱۳۹۶). بازشناسی سازمان فضایی بیشاپور، روایتی است از شهر دوره ساسانی با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی که نظرات پیشین گیرشمن را که به‌زعم نویسندگان غیرمستند بوده، بازنگری کرده است. اظهارشده شاخص‌های چهارگانه قلمرو، ساختار، کل‌های کوچک و مرکز در تحلیل شهر مؤثرند (سرفراز و تیموری، ۱۳۹۲).

روش پژوهش

فهم ساختار شهر کرمان در گذشته‌های دور، ناچار با تکیه بر اسناد و شواهد تاریخی ممکن می‌شود. در کتب تاریخی و جغرافی و تاریخ‌نامه‌های محلی اشاراتی چند به رویدادها و اوضاع این شهر شده و جستجو و گریخته از پهنه‌ها و اندام‌های شهر نام برده شده است، اما تبیین ساختار شهر نیاز به تعمیق، ابهام‌زدایی، تبیین و تحلیل و تفسیر داده‌های تاریخی دارد، از این‌رو روش پژوهش «تفسیری تاریخی» برای به دست دادن گزاره‌های علمی و روایت منسجم از شهر راهگشا خواهد بود. این پژوهش از گونه کیفی است و سامان دادن به داده‌های تاریخی و اسناد نوشتاری و تحلیل آن‌ها، با اتکال به شواهد باستان‌شناسی و آثار معماری و وضع محیطی، امکان ارائه روایتی از تحولات تاریخی و ساختار فضایی شهر کرمان وجود دارد. آثار معماری و شهری و مواد فرهنگی کم‌شماری که از گذشته‌های دور به‌جامانده، برای آزمون داده‌های تاریخی و تعیین صحت و سقم گزاره‌ها اهمیت دارد.

چارچوب نظری

شهر پدیده‌ای تاریخی‌ست؛ وابسته به تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همواره در سایه این متغیرها دگرگونی و تغییر در صور کالبدی و فضایی و جنبه‌های حیاتی شهر پدید آمده است. شهرها دگرگون می‌شوند و از این راه حامل ویژگی‌هایی از دوره‌های گوناگون‌اند و تصویر گذشته‌های دور با وجود شواهدی، در صورت

امروز بازیابی می‌شود. از جمله نخستین دگرگونی‌های شهری، یعنی گذر از روستاهای کهن به شهر که اهمیت دارد (Mumford, 1961, 4). این دگرگونی و دگرگونی‌های بعدی به اشکال گوناگونی با سازگاری ریخت‌شناسی در شهرها همراه است (Vance, 1977, 28). بازشناسی سازمان فضایی گذشته‌های دور شهر، با استفاده از متون تاریخی و انطباق آن با شواهد شهری، معماری و باستان‌شناسی و تحلیل و به دست دادن روایتی منسجم ممکن می‌شود که چارچوب نظری این پژوهش در آن شکل گرفته است. با این آگاهی که در شهری چون کرمان نه متون تاریخی به حد کافی و روشن است، نه شواهد مادی بسنده و گویا. پژوهش تاریخی از این رو که پدیده اجتماعی - کالبدی پیچیده و چندوجهی [نظیر شهر] می‌پردازد و با تبیین مسائل، روایتی کل‌نگر به دست می‌دهد، اهمیت دارد. این امر ضمن ارزیابی و تحلیل داده‌ها با رویکرد تفسیر به دست می‌آید که هدف آن ارائه روایتی منسجم است (Groat & Wang, 2013, 172 - 173). همچنین با تحلیل عملکرد فضاها، می‌توان به این موضوع که شکل یا ساختار شهرها نشأت گرفته از چیست و آن شکل‌ها چه عملکردی دارند (لینچ، ۱۳۸۱، ۴۴) نزدیک شد.

ساختار فضایی صورت مادی ماهیت شهر را می‌نمایاند. «ساختار» از این نظر که هم برای اطلاق به کلیت چیزی و هم برای اشاره به روابط بین اجزاء استفاده شده، در بیان آن در شهر (ساختار شهری) از نظرگاه‌های گوناگونی مورد توجه واقع شده است (اهری، ۱۳۹۵، ۴۷). آنچه از مفهوم ساختار متبادر می‌شود، یک کلیت شکلی وحدت‌بخش است که در پدیده‌های طبیعی و غیرطبیعی دیده می‌شود. در این قیاس، ادموند بیکن ساختار شهر را مانند درختی تشبیه می‌کند که قادر به رشد است و مجموعه‌ای از مسیرهای حرکتی در خود دارد. در این مسیر برگ‌های آن فرو می‌ریزد، اما تنه و شاخه‌های درخت باقی می‌ماند و آن‌ها هستند که شکل درخت را تعیین می‌کنند (Bacon, 1976, 34 - 306). این مفهوم در سیری تاریخی و از بازیابی کلیت و اجزای شهر در هردوره می‌تواند قابل فهم باشد. اگر بنیان شکل‌گیری شهرهای تاریخی را با در نظر داشتن شرایط و ویژگی‌های یگانه خودشان در نظر آوریم، آن‌گاه می‌توان درک کرد که منطقی درونی در خلق و تکامل اولیه هر شهر وجود داشته است و این منطق بیشتر با منظر، توپوگرافی و هیدروگرافی، همراه با نیروهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارتباط می‌یابد (Sandalack & Nicolai, 2013, 189). بنابراین شهرها به لحاظ ساختار فضایی همواره در نسبت با محیط زیست طبیعی و انسانی و در تعامل با یکدیگر سر می‌کنند.

یکی از مسایل پرابهام در شناخت شهرهای کهن ایرانی، برهه گذار از روزگار ساسانی به دوران اسلامی و دگرگونی تدریجی اجتماعی و فرهنگی است و فهم این مسئله در شهر کرمان با وجود منابع و اسناد اندک در ارتباط با هریک از ویژگی‌ها، دشوارتر به نظر می‌رسد. ویژگی‌های غیرفضایی جامعه، نظیر سازوکارهای اجتماعی، با ساختار فضایی شهر مرتبط است، باین حال همبستگی داده‌های اجتماعی برای فهم ساختار فضایی گذشته شهر همیشه کارآمد نیست، زیرا برای پی بردن به وضع قدیم از مشاهده مستقیم نمی‌توان بهره برد. بنابراین برای چیره شدن بر این نقیصه بهره‌گیری از عناصر اصلی تشکیل دهنده ساختار فضایی شهر و بناها و فضاها مهم اهمیت می‌یابند (Karimi, 1997, 9). آن‌گاه شواهد مادی در انطباق با داده‌های غیرمادی روایت استوارتری به دست خواهد داد و روابط تعمیم‌پذیر بین ارزش‌های انسانی و محل زیست انسان در شکل دهی به شهر آشکار می‌شود. ساختار فضایی شهر برآمده از تعاملات اجتماعی و اقتصادی در بستر محیطی است. باید این نکته را درک کرد که در گذشته پیشامردن، فضاها شهر برآیندی از تعاملاتی بود که برای حفظ زندگی در همه وجوه لازم می‌آمد (Wiedman et al., 2012, 36).

یافته‌های پژوهش

بنیان و تحولات شهر تا سده پنجم هجری

مطابق نتایج باستان‌شناسی، سابقه شهرنشینی در ایران به هزاره پنجم پ. م می‌رسد. که در شوش و دیگر اماکن شناخته شده است (کالینز، ۱۳۹۶، ۳۷) و منطقه کرمان یکی از کانون‌های شکل‌گیری جوامع نخستین و تحول به‌سوی شهرنشینی شمرده می‌شود (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸، ۳۹۵-۴۱۴). وضع شهرها در روزگاران تاریخی هویت روشن‌تری دارند و پژوهشگران آن‌ها را در ذیل دو مقطع کلان دوران باستان و دوران اسلامی بررسی کرده‌اند، با این فرض که همسانی‌ها و ناهمسانی‌هایی بین آن‌ها وجود دارد (اشرف، ۱۳۵۲، ۷). در ادامه، بنیان و تکامل شهر کرمان در این روزگاران بررسی می‌شود.

دوران باستان: بنیان شهر به اردشیر (گواشیر)

نظرات گوناگونی درباره بنیاد شهر کرمان گفته شده است. منشی کرمانی در سده هفتم هجری، از قول ابونصر عتبی (زیسته در سده پنجم هجری)، گشتاسب پسر لهراسب^۱ را بنیان‌گذار بردسیر دانسته است. با این سخن که این پادشاه کیانی «چون به حومه بردسیر رسید و آن حدود را مستعد قبول عمارت یافت، به اساحات و اجراء کاریز اسف و بناء دهکده آن مثال داد و آتش‌خانه معبد آنجا را احداث فرمود تا منزل و مناخ صادر و وارد باشد. و زمین‌هایی که اکنون به شاه‌یجان و گازرگاه معروفست، از آبی عظیم از منبع کوه شیوگاه در قدیم‌الزمان منصب می‌شد، مرغزار گشته بود و گله اسبان خسروان را تابستان مراتع و علفزار آنجا بودی» (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۱۲).

اردشیر بابکان قلعه را ساخت و شهر را سامان داد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ۵۸). به قول حمزه اصفهانی، مورخ سده چهارم هجری، اردشیر ساسانی «به اردشیر» کرمان را ساخت که به عربی «بردشیر» یا «بردسیر» گفتند (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶، ۴۴ و ۴۵). ایرانیان آن را «گواشیر» می‌گفتند (لسترنج، ۱۳۷۷، ۳۲۵). «[شاه اردشیر] روزی چند جهت مطالعت مراتع و مروج و ریاض به مرغزار بردسیر خرامید و در حومه آن نشاط شکار فرمود و آن موضع را نخجیران نام نهاد و مدت یک‌سال در آن نواحی خیمه اقامت زد و بدرجاء و انحاء ملک احکام مشتمل بر ایفاد کشاورزان و پیشوران به طرف بردسیر صادر گردانید و گنبد گنج و قلعه شهر بنا فرمود و مردم را بر عمارت بقاع و اشادت قلاع و تفجیر آنهار و تثمیر اشجار ارشاد کرد و اصل بردسیر باداردشیر بود چه مورخان آورده‌اند که شاه اردشیر دو شهر در کرمان احداث فرمود، یکی نرم‌اردشیر و یکی باداردشیر، به کثرت استعمال نرماسیر و بردسیر گفتند» (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۱۲ و ۱۳). در فارسنامه آمده، «به اردشیر که دارالملک کرمانست، او [اردشیر] بنا کرد» (ابن بلخی، ۱۳۶۳، ۶۰). بنا به مندرجات نزهت‌القلوب، «گشتاسب آنجا [گواشیر] آتش‌خانه ساخته بود، پس اردشیر بابکان قلعه شهر ساخت و بردسیر خواند. طالع عمارتش برج میزان و بهرام‌بن شاپور ذوالاكتاف بر آن عمارت افزود» (مستوفی، ۱۳۳۶، ۱۷۰). مورخان متأخر نیز بنای گواشیر را به فرمان اردشیر دانسته‌اند و پس از او بر عمارتش افزوده می‌شد (وزیری کرمانی، ۱۳۴۰، ۲۰۰).

مکان ساخته‌ای که موضع شهر کرمان باشد پیش از ساسانیان وجود داشته و اردشیر بابکان سرسلسله ساسانیان آن را توسعه داد و تحکیم کرد. گشتاسب ابتدا با کشیدن کاریز اسف^۲ و جاری کردن آب، دهکده‌ای مهیا کرد و برای آن آتش‌خانه‌ای ساخت. موضع و نام دهکده موصوف روشن نیست، اما شاید پیرامون کوهچه‌ای باشد که دژها برپای داشته شدند. نبود شواهد باستان‌شناسی پژوهش را از آزمون صحت و سقم این گفته باز می‌دارد. طبیعتاً

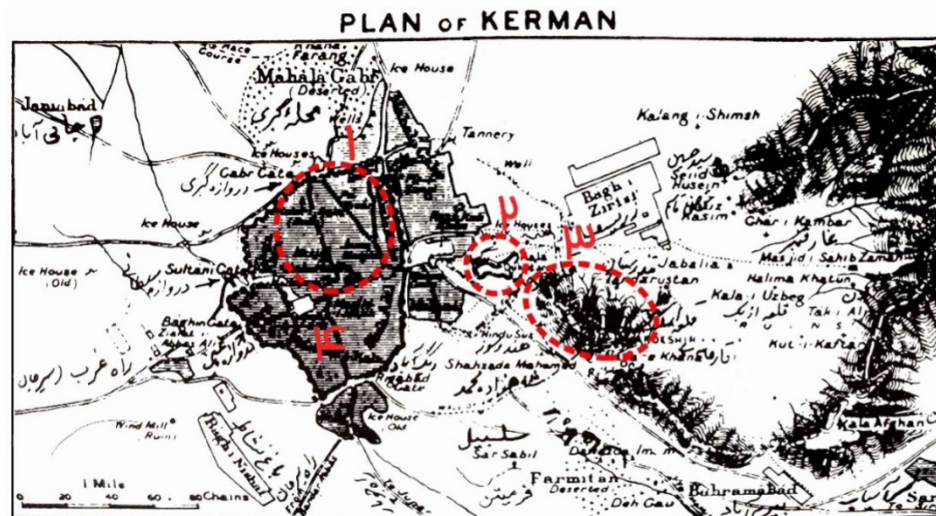
بنیاد دهکده با کشیدن قنات ممکن می‌شد، زیرا محدوده برخورد از آب جاری کافی نبوده است. زمین‌های پای کوه شیوگاه یا شیوشگان^۳ به سبب رسیدن آبی از این کوه، موقعیت مناسبی یافته بود که مرغزار و تفرجگاه شود، همان جایی که بعدها آبادی شاه‌یجان به وجود آمد و تا چند سده پیش آبادی خوش آب‌وهوای پیرامون شهر به شمار می‌رفت. باستانی پاریزی گمان وجود آتشگاه یا پرستشگاه ناهید را در قلعه دختر یا بین دو قلعه مطرح کرده و نامگذاری قلعه دختر را یادگاری از چنین معبدی دانسته است (باستانی پاریزی، ۱۳۳۸، ۱۲۷).

در دوره ساسانیان، شهر با انتساب به اردشیر بابکان به «به‌اردشیر» یا «وه‌اردشیر» نامبردار می‌شود و از نظر دفاعی اهمیت و توسعه می‌یابد. کوهچه‌هایی که شهر درکنار آن قرار داشتند، از استعداد کافی برای ساخت دژ مستحکم برخوردار بودند. آشکار بودن آثار خشتی دوره ساسانیان در هر دو قلعه اردشیر و دختر (ریاحیان گهرتی، ۱۳۹۸)، حیات شهر به‌اردشیر و دژ را در آن دوران روشن می‌سازد (شکل ۲). «گنبد گنج» که هم‌زمان با قلعه‌ها ساخته شده، به‌درستی شناخته شده نیست. کاریزی برای تأمین آب کشیده شد و آن دهکده که بعدها به کسوت شهر درآمد، در پای قلعه گسترش یافت و مردم بیشتری در آن جای گرفتند و سپس با بنیان‌گذاران شهر، به آبادانی شهر و اطراف پرداختند، که شامل: برپایی ساختمان‌ها، برافراشتن قلعه‌ها، جاری کردن نهرها و کاشت درختان بود.

دژها ماهیت معلومی دارند، اما موضع و عرصه شهر دوره ساسانی در پرده ابهام قرار دارد و اکنون آثار و شواهد روشنی برای اثبات آن در دست نیست. افضل کرمانی در شرح اقدامات توسعه و تعمیرات سده چهارم هجری، خرابه‌های شهر قدیم را که آباد شده بود حدود شرقی شهر آن زمان ذکر کرده است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶، ۱۶۴). در جغرافیای مملکت کرمان، شهر ساسانی کرمان حدود شمال شرقی شهر قدیم، در محدوده محله شهر، شناسانده شده است (وزیری کرمانی، ۱۳۴۵، ۲۶). محدوده مورد اشاره، بافت شمالی بازار، یعنی محله‌های بالادست مسجد جامع به‌سوی عرصه‌های غربی را شامل می‌شود (شکل ۳).



شکل ۲. دژ شهر کرمان واقع بر بلندی مجاور شهر قدیم



شکل ۳. حدود موضع شهر دوره ساسانی کرمان و اجزای دیگر بر روی نقشه ۱۸۹۵ م: ۱. محدوده شهر دوره ساسانی، ۲. قلعه دختر، ۳. قلعه اردشیر، ۴. حدود نهایی شهر کرمان در دوره قاجاریه
منبع: سایکس، ۱۳۶۳، محدوده عناصر شهری افزوده شده است

سده‌های نخست هجری: شهر بردسیر

مورخان، دوم تا چهارم هجری را زمان ورود اعراب به کرمان ذکر کرده‌اند (اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ۲۶۱؛ ابن اثیر، ج ۴، ۱۳۸۵، ۱۶۵۱). یزدگرد سوم، واپسین شاه ساسانی در گیرودار هجوم اعراب به ایران، چندگاهی در کرمان و به‌قولی دو یا سه سال تا ۳۱ ق در گواشیر کرمان به‌سربرد (ابن اثیر، ج ۴، ۱۳۸۵، ۱۶۵۱). در دو سده نخست هجری، بردسیر و دیگر شهرهای کرمان با حاکمانی که از سوی خلفا گماشته می‌شدند، دست‌به‌دست می‌شد و کوتاه‌زمانی صفاریان و غزنویان حضور داشتند. سیرجان دارالملک ولایت کرمان بود و بردسیر با داشتن دژها، شهری مستحکم محسوب می‌شد، به‌طوری‌که برخی حاکمان متواری این شهر را پناهگاه خویش قرار می‌دادند.

ازجمله آگاهی‌ها درباره اجزای شهر، ساخت مسجد جامع در آخر سده نخست هجری است که به‌دستور عبدالعزیز، خلیفه اموی، مسجد به‌همراه دیگر بقاع خیر در بردسیر بنا شد (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۱۴؛ مستوفی ۱۳۹۴، ۲۷۴). این مسجد باید همان بنایی باشد که جغرافی‌نویسان سده چهارم آن را نزدیک دژ شهر نشان می‌دادند (مقدسی، ج ۲، ۱۳۶۱، ۶۸۳). با آگاهی از وجود آتشکده در دوره ساسانی (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۱۲). پیروان دین زرتشتی همواره حضور خود را در کرمان حفظ کردند و بر آیین خود استوار ماندند. قاعدتاً در این زمان معبد یا معابد باشندگان اصلی شهر هم وجود داشت. زرتشتیان کرمان تا هنگام حکومت غضبان بن قبعثری، در روزگار خلافت عبدالملک مروان (حک: ۸۱-۶۵ق)، کمال قوت را داشتند. امیر مزبور بسیاری از آتشکده‌های شهرها و بلوکات کرمان را ویران کرد و بسیاری از ایشان را مسلمان کرد و در همه شهرها «مسجد بساخت و مؤذن و خادم قرار داد و خرج تعمیر و وظیفه خدمه و مؤذن را از بیت‌المال مقرر داشت» (وزیری کرمانی، ۱۳۴۰، ۴۵). بردسیر را می‌توان متأثر از چنین رویدادی پنداشت.

بنا به گزارش‌های تاریخی در سده سوم هجری، بردسیر یکی از خوره‌های ایالت کرمان به‌شمار می‌آمد. دیگر خوره‌ها عبارت بود از سیرجان، نرماشیر، بم، جیرفت و هرمز (ابن‌رسته، ۱۳۸۰، ۱۲۲). هرچند افضل‌الدین کرمانی حدس زده که بردسیر در آن وقت شهر نبوده و مشهور نشده بود و این شهر را محدث دانسته (افضل‌الدین

کرمانی، ۱۳۵۶، ۱۲۲)، اما خوره از جایگاه برابر با شهرستان برخوردار بوده و شامل چند شهر و آبادی‌های دیگری می‌شد. هر خوره به نام مهم‌ترین شهر نامیده می‌شد. بنابراین بردسیر در سده‌های نخست هجری شهر بااهمیتی شمرده می‌شد و مراحل ترقی را می‌پیمود (شکل ۴).



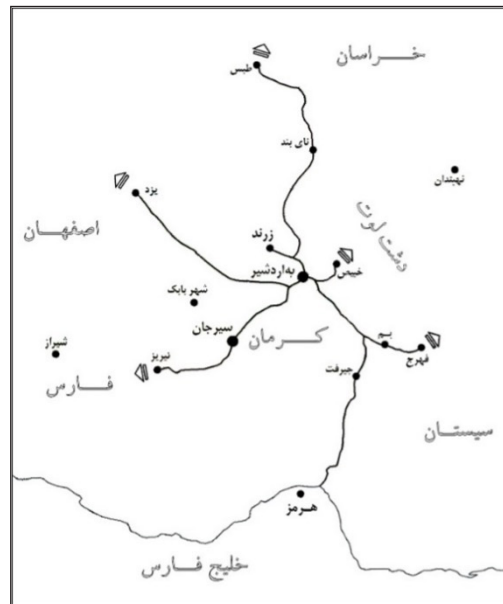
شکل ۴. موقعیت شهر بردسیر نسبت به راه‌ها و شهرها در ابتدای سده چهارم هجری و پیش از آن
 منبع: نسخه خطی مسالک و ممالک محفوظ در موزه ملی ایران به تاریخ ۷۲۶ق

وضع شهری کرمان در سه سده نخست هجری در هاله‌ای از ابهام و ناآگاهی قرار دارد که ناشی از سکوت تاریخ‌نامه‌ها و به‌طور کلی اسناد تاریخی و کمبود شواهد و آثار مادی است. با این داده‌های کم می‌توان گمان برد که تحولات شهری بردسیر آهنگ آرامی داشته و دچار دگرگونی ناگهانی یا گسترده نشده است. ساختار شهری بر پاشنه شهر روزگار ساسانی می‌گشت و پذیرای تحولات تدریجی اجتماعی و فرهنگی و البته افزوده‌های معماری، مانند ساخت مسجد جامع و بقاع دیگر می‌شد. بقایای ساختارهای معماری در قلعه اردشیر و قلعه دختر با خشت‌هایی به ابعاد $۱۰ \times ۳۵ \times ۳۵$ سانتی‌متر (ریاحیان گهرتی، ۱۳۹۸، ۷) می‌تواند مؤید استفاده از دژها در سده‌های نخست هجری باشد. بناهایی با ابعاد خشت‌های نام برده شده، در مساجد جامع ساوه، اصفهان شناسایی شده که مربوط به معماری سده‌های اول و دوم هجری است (مهریار و دیگران، ۱۳۷۴، ۷۶۹؛ گالدیری، ۱۳۷۰، ۱۴).

سده چهارم هجری: دارالملک بردسیر

مقدسی در سده چهارم هجری، بردسیر را قصبه خوره‌ای در ولایت کرمان ذکر کرده که به زبان محلی آن را «گواشیر» می‌نامیدند. این خوره دوازده شهر داشته است^۴ (مقدسی، ج ۲، ۱۳۶۱، ۶۸۱). این شهر با اینکه دارالملک بود، هنوز وسعتی نداشت. جغرافی‌نویسان سیرجان را از همه شهرهای کرمان بزرگ‌تر برشمرده‌اند (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۳۱؛ اصطخری، ۱۳۴۷، ۱۳۹). در حدودالعالم، بردسیر شهرکی با نعمت بسیار و مردم کم توصیف شده و بین سیرگان و این شهر، که کوهستانی‌ست، ۲۶۰ ده آباد قرار داشته است (بی‌نا، ۱۳۶۱، ۱۲۹). ابن حوقل بردسیر را از شهرهای معروف کرمان دانسته که کوچک، بسیار عمارت و پرجمعیت بوده و در اطراف آن آبادی‌های بسیار قرار داشته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۷۴).

سرنوشت‌سازترین رویداد این عصر ارتقای جایگاه اداری و سیاسی شهر است. ابوعلی‌بن‌الیاس در ابتدای سدهٔ چهارم هجری بردسیر را در مقام کرسی ولایت برگزید و دارالملک و مقر سلطان و دیوان و مرکز تجمع سپاهیان را از سیرجان جابه‌جا کرد و در بردسیر قرارداد (مقدسی، ج ۲، ۱۳۶۱، ۶۸۲؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶، ۷۴). ابوعلی‌الیاس که جزء سرهنگان سامانیان و از عیارپیشگان خراسان بود در ۳۱۰ ق کرمان را به دست گرفت (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۱۵) و به آبادانی این شهر پرداخت. از این سده به بعد تصویر روشن‌تری از شهر کرمان (بردسیر) در دست است. شهر از اهمیت بیشتری برخوردار شد (شکل ۵) و مورخان دربارهٔ آن دقیق‌تر نوشتند. چنین تحولی در حوزهٔ سیاسی و اداری، نقطهٔ عطفی است که آهنگ توسعهٔ این شهر را شتاب بخشید. در این روزگار اندام‌ها و مستحدثات شهر به استحکام رسید و بناهایی چند ساخته شد. از قول افضل کرمانی در عقدالعلی، «بردسیر محدثست و ابوعلی محمدبن‌الیاس که نام او بر دروازهٔ خبیص نبشته، عمارت بارو کرده است و خندق و قلعهٔ کوه و قلعهٔ نو و بعض قلعهٔ کهن از بنای اوست» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶، ۱۲۳). عرصهٔ بیرون دروازه متشکل از دژی و خندقی با پل بر روی آن بوده است. بر باروی حصین شهر چهار دروازه به نام‌های: درِ زرد، درِ خبیص و درِ مبارک گشوده شد. درمیان شهر دژی بس بلند برپا بود، به‌طوری که ابن‌الیاس با چارپایان کوهنورد از آن بالا می‌رفت و شب‌ها را در آنجا می‌خفت. نزدیک درِ داخل شهر جامعی خوب قرار داشت (مقدسی، ج ۲، ۱۳۶۱، ۶۸۳). «باغ سیرگانی و دیهٔ بعلی‌آباد و سرای اندرون شهر از بناهای اوست. و از این بیت که بر قلعهٔ کوه نبشته بودند استدلال می‌کنند که آن هم از مستحدثات او شاید بود: و هو بناک ابن‌الیاس و حللک غیره / کذا الدهر یمضی تاره و یعود» (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۱۵). حمدالله مستوفی نیز همین قول را با انضمام این مطلب که باغ مذکور در سدهٔ هشتم هجری هنوز بر مدار زندگی بود، تصدیق می‌کند (مستوفی، ۱۳۳۶، ۱۷۰). اشاره به نوشتهٔ قلعه کوه می‌تواند مؤید تعمیرات و توسعهٔ این بنا به‌دستور ابوعلی‌الیاس باشد. دیگر اینکه از دژ بیرون شهر برای محبوس ساختن مغضوبین استفاده می‌شد. از جمله ابوعلی‌الیاس پسر خویش یسع را در آن محبوس کرده بود (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶، ۱۲۴). پس از آل‌الیاس، کرمان به دست عضدالدولهٔ دیلمی و گماشتگان او بود. در این روزگار نیز بر آبادانی شهر افزوده می‌شد. مورخان از آثار بسیار او در کرمان یاد می‌کنند، که از آن جمله است: سرای سیرجان، سرای راین و بستان سیرجانی^۵ که میان دو قلعه قرار داشت. همچنین در بردسیر و دروازه‌ای که نزدیک میدان بوده است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶، ۱۲۵). بردسیر در این روزگار باغ‌های شگفت‌انگیز داشته، به‌طوری که باغات دور شهر را فرا گرفته بودند و با آب کاریز سیراب می‌شد. آب آشامیدن مردم از چاه‌ها و قنوات بود. قناتی نیز میان قلعه‌ها کشیده بودند (مقدسی، ج ۲، ۱۳۶۱، ۶۸۲ و ۶۸۳). مصلی در خارج شهر به صحرا بود و این نکته در جریان برآمدن یسع و راندن پدرش علی‌بن‌الیاس از کرمان یادآوری شده است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶، ۱۲۴).



شکل ۵. موقعیت بردسیر نسبت به راه‌ها و شهرها در سده چهارم هجری

تحلیل یافته‌ها در ارتباط با ساختار کالبدی و فضایی شهر

جایگاه و الگوی استقرار شهر

دو پادشاه نخست ساسانی (اردشیر و شاپور) به شهرسازی ارج بسیار می‌نهادند و بزرگ‌ترین بنیان‌گذاران شهرها در ایران به شمار می‌روند (فرای، ۱۳۸۸، ۳۴۱). شهر کرمان با نام نخستین به‌اردشیر و وه‌اردشیر، در زنجیره شهرهایی است که اردشیر ساسانی برای سامان دادن به پادشاهی و آمایش تازه سرزمینی، آن‌ها را بنیان نهاد. تعدادشان را در رساله شهرستان‌های ایران و تاریخ‌نامه‌ها بین ۸ تا ۱۰ شهر ذکر کرده‌اند^۶ (دریایی، ۱۳۸۸، ۴۰؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶، ۷۰). دیگر شاهان ساسانی نیز دست به ساخت شهرها زده و این زنجیره را کامل می‌کردند. توسعه سرزمینی و استقرار دولت در پادشاهی ساسانیان با تکیه بر تمدن شهری، که هریک کارکرد خاص خود را داشتند، به وجود آمده و قوت گرفت. مطابق نوشته‌های دوره ساسانی و تاریخ‌نامه‌های سده‌های نخست هجری که برگرفته از اسناد ساسانی است، ساخت شهر در اختیار پادشاهان بوده و امری قدسی شمرده می‌شد.

به‌اردشیر کرمان در مسیر راهی بود که از سوی جبال و ماد و یزد به سوی نواحی جنوب پیش می‌رفت و امنیت راه‌هایی را که به سوی فارس می‌رفت تقویت می‌کرد (فرای، ۱۳۸۸). از استخر راهی کوهستانی به شهر بابک، بهرام‌آباد و سپس به به‌اردشیر می‌رسید. درهمین حال راه دیگری از فارس به ابرکوه، یزد، کرمانشاهان و به‌اردشیر منتهی می‌شد و سپس به سوی جیرفت و هرمز ادامه می‌یافت. بنابراین، اردشیر ساسانی برای تقویت و استحکام محور اقتصادی جنوب که به سوی خلیج فارس و هند منتهی می‌شد، شهر به‌اردشیر را در نخستین ایالتی که پس از فارس به دست آورد، بنیان نهاد. این شهر در نقطه‌ای قرار گرفته که حفاصل فارس و اصفهان برای رسیدن به جیرفت و ساحل خلیج فارس محسوب می‌شود و در تبادلات تجاری می‌توانسته نقش تازه‌ای ایفا کند. شهر در نقطه‌ای واقع شده که اتصال راه‌های چهارسو را برقرار می‌ساخت (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶، ۱۹۵). دژهای مستحکم به‌اردشیر نشیمنگاه امنی بوده که می‌توانست تضمین‌کننده امنیت راه تجاری به حساب آید. با نظر به سکه‌هایی چند از دوره خسرو اول (انوشیروان)، که نام «گواشیر» بر آن ضرب شده

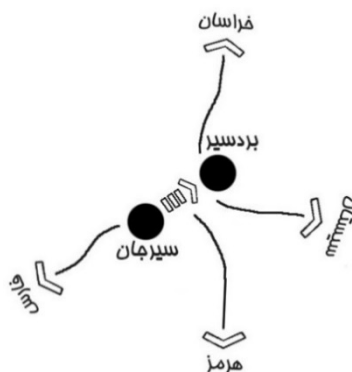
(شکل ۶) (امینی، ۱۳۹۵، ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۰۹)، معلوم می‌شود این شهر به گمان یکی از ضرب‌خانه‌های ایران در روزگار ساسانی بوده است^۶ که از جایگاه احتمالی تجاری و سیاسی به‌اردشیر گفتگو به میان آورد؛ همچون سیرگان که سکه در آن ضرب می‌شده و از چنین جایگاهی برخوردار بوده است (برونر، ۱۳۹۳، ۱۸۱).



شکل ۶. سکه‌های خسرو اول که ضرب‌خانه آن گواشیر است

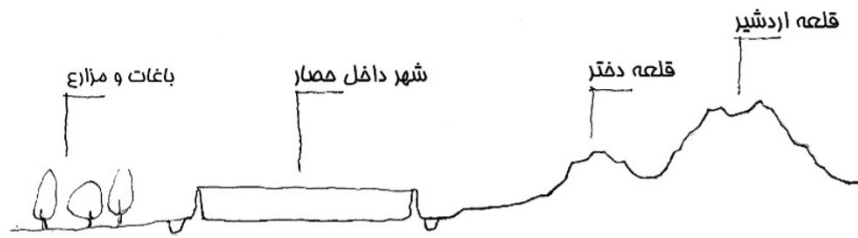
منبع: امینی، ۱۳۹۵، ۳۰۷ و ۳۰۸

موضع بااهمیت شهر در سده چهارم هجری در جایگاه دارالملک تقویت شد. مورخان قدیم به دلایل جابه‌جایی کرسی ایالت از سیرجان به بردسیر اشاره نکرده‌اند. سرپرسی سایکس منظور از این جابه‌جایی را دورکردن مقر حکومت کرمان از فارس و حاکمیت آل‌بویه دانسته است (سایکس، ۱۳۶۳، ۲۱۷). باستانی پاریزی در پانوشت تاریخ کرمان همین نظر را دارد، زیرا ابوعلی‌الیاس وابسته به سامانیان بود و میل داشت محل حکومتش به خراسان در دست ایشان نزدیک‌تر باشد (باستانی پاریزی، ۱۳۴۰، ۲۵۳). بنا به هر دلیلی که پنداشته شود، این مکان‌گزینی به سبب موقعیت آن در ارتباط با راه‌ها و قابلیت استحکامی شهر تداوم یافت (شکل ۷). اقدام اردشیر ساسانی در ساخت شهر به‌عنوان نخستین گام ترقی و اقدام ابوعلی‌الیاس دومین گام در ارتقای جایگاه شهر شمرده می‌شود.

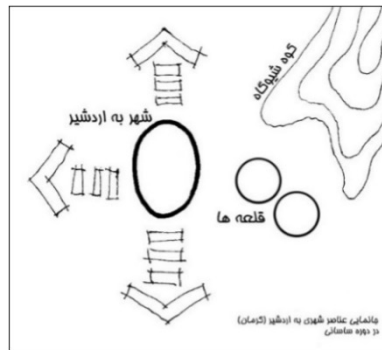


شکل ۷. جابه‌جایی دارالملک از سیرجان به بردسیر در سده چهارم هجری، نزدیک شدن به خراسان به‌جای فارس

دشت واقع در پای کوه شیوگاه برای استقرار شهر از نظر تأمین امنیت، طرح‌اندازی فضای شهری، توسعه کشاورزی و پذیرش جمعیت استعداد طبیعی مناسبی داشت. کوهچه‌های مشرف بر دشت امکان خوبی برای استقرار دژها فراهم آورده بود، چنانچه در طول تاریخ تسخیر آن‌ها ناممکن یا با دشواری همراه می‌شد. دشت گسترده و بدون مانع، عرصه فراخی برای بنیاد و رشد و توسعه شهر فراهم می‌آورد و با گستردن شهر می‌شد سازوکارهای دفاعی را سامان داد (شکل ۸). به سبب وسعت و فسحت در سه جهت شمال جنوب و غرب، امکان بیشتری برای توسعه‌های بعدی مهیا بوده و شهر از این نظر در تنگنا قرار نمی‌گرفت (شکل ۹).



شکل ۸. کروکی نحوه استقرار عناصر و فضاهای شهری کرمان با توجه به شکل زمین، از روزگار ساسانیان تا سده چهارم هجری



شکل ۹. جانمایی شهر به اردشیر (کرمان) در دوره ساسانی و جهاتی که امکان گسترش آینده شهر فراهم بوده است

الگو و ساختار فضایی شهر و اندام‌ها و اجزای آن

بنا به روایات تاریخی، گمان می‌رود نخستین پهنه زیستی شهر کرمان روستایی بی‌نام و نشان بوده و مردمانی در آن می‌زیستند و بعدها به سبب استعداد طبیعی و تحولات سیاسی در دوره ساسانی به هیئت شهری درآمد. بنابراین به اردشیر در ردیف شهرهایی قرار دارد که دارای هسته روستایی بوده است، اما شاید دقیقاً الگوی رشد و تحول از روستانشینی به شهرنشینی و سیر تکامل از روستا به شهر، با آهنگی تدریجی را درباره آن نتوان متصور شد. می‌توان این گونه فهمید که شهر بر گرده روستای پیشین بنا شده و در نتیجه روستا به خورد شهر رفته است. از مجموع یافته‌ها درباره اندام‌ها و عناصر شهری در دوران باستان، می‌توان به این برآورد رسید که ساختار شهر دوره ساسانی به اردشیر با ترکیب فضایی متشکل از سه عنصر تعریف می‌شد:

۱. «دژ» به عنوان مکان حکومتی و دفاعی، ۲. «شهر داخل حصار» پهنه‌ای برای سکونت و زیست مردم، ۳. «باغات و مزارع» که معیشت ساکنان را تأمین می‌کرد (شکل ۱۰).

به طور دقیق نمی‌توان چنین سازمان شهری‌ای را با کهن دژ و شارستان ساسانی مطابقت داد. وجود قلعه‌های مستحکم و وسیع، اهمیت نظامی و دفاعی شهر را گوشزد می‌کند. با این توضیح که عملکرد آن می‌توانست فراتر از شهر و در مقیاس منطقه پیرامون باشد. قول مورخان مبنی بر کشیدن حصار و بارویی گرد شهر در زمان اردشیر بابکان، منطقی به نظر می‌رسد، زیرا تأمین امنیت شهروندان و ساکنان، بدون حصار و بارو و خندق ممکن نمی‌شد. همچنین دروازه‌هایی که رفت و آمدها سامان یابد.

شهر به اردشیر از همان ابتدای دوره ساسانیان با توجه به گسستگی قلعه و محدوده زیست مسکونی (شهر داخل حصار) بنیان نهاده شد. همین ساختار تا سده‌های بعد نیز ادامه یافت و کوششی برای به هم پیوستن

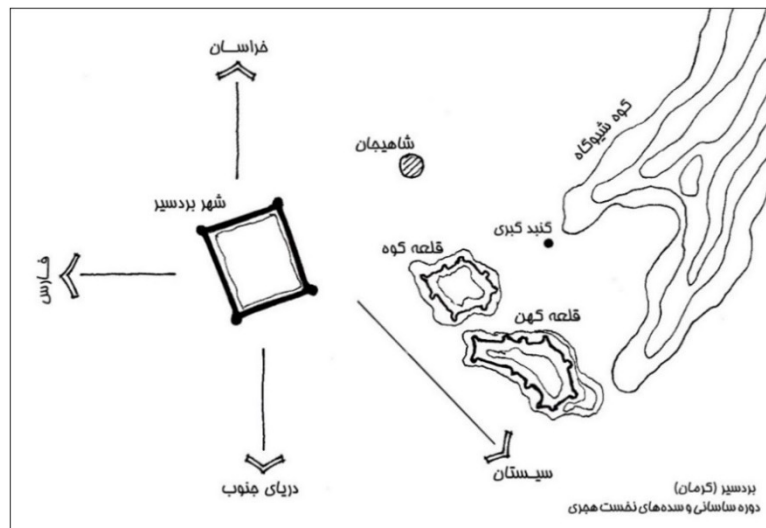
این دو اندام اصلی شهر صورت نگرفت. با وجود تحولات چشم‌گیر شهر در سده‌های هجری، همچنان میراث ساسانیان در پی‌ریزی ساختار شهری، استمرار یافت. قلعه نمی‌توانست محل سکونت عادی فرمانروا و وابستگان او باشد، بلکه سرا یا کاخ حکومتی در محدوده داخل شهر قرار می‌گرفت و قلعه کارکرد دفاعی و غیر آن داشت و در مواقع نبرد و محاصره سنگر مقاومت و مرکز تاراندن مهاجمان می‌بود. شهر به‌اردشیر از نظر ترکیب و نحوه ارتباط اندام‌های اصلی، به شهرهای اردشیرخوره و بیشاپور دوره ساسانی شباهت دارد، که با لحاظ کردن تفاوت در مقیاس و شرایط محیطی هریک است (جدول ۱). شهر داخل حصار اردشیرخوره با فاصله‌ای در پای دژ و کاخ دارد و دژ مستحکم بر بلندا و مسلط بر شهر استقرار یافته است (هوف، ۱۳۷۶، ۱۷۸). بیشاپور که پس از آن ساخته شده نیز برخوردار از همین ساختار است، دژ آن به استحکام اردشیرخوره نیست (شاه‌محمدپور، ۱۳۹۳، ۱۱۲ و ۱۲۳) و فاصله کمتری با شهر دارد.

جدول ۱. مقایسه سازمان فضایی عناصر شهرهای گور، بردسیر (کرمان) و بیشاپور

نام شهر	سازمان فضایی کلان و اندام‌ها	کروکی سازمان فضایی
اردشیرخوره (گور)	۱. شهر داخل حصار ۲. دژ ۳. آتشکده - کاخ ۴. بستر طبیعی: جلگه، کوه، رودخانه	
به‌اردشیر (کرمان)	۱. شهر داخل حصار ۲. دژ ۴. بستر طبیعی: دشت، کوه	
بیشاپور	۱. شهر داخل حصار ۲. دژ ۴. بستر طبیعی: جلگه، کوه، رودخانه	

هرچند در تاریخ‌نامه‌ها از ساختار فضایی شهر سده‌های نخستین هجری شهر سخنی به میان نیامده، با این حال می‌توان گمان برد که جز افزوده شدن برخی اندام‌های جدید شهری، دگرگونی چشم‌گیری در بنیان کالبدی و فضایی شهر صورت نگرفته باشد. به این معنا که همان ترکیب فضایی به حیات خود ادامه داده و عمده دگرگونی‌ها منحصر به بافت اجتماعی شهر (جایگزینی تدریجی مسلمانان به جای زرتشتیان) و ارتقای جایگاه سیاسی و اقتصادی آن بوده است. بنیان مسجد جامع در بافت داخل حصار یا دیگر افزوده‌ها و الحاقات احتمالی، گویای تحول تدریجی مذهبی در ابتدای سده دوم هجری است که اثر خود را بر سیمای شهر می‌گذارد. حتماً شهر در طول دو سده سده شاهد برپایی بناهای جدید، طرح‌اندازی فضاهای تازه و تغییر

در مالکیت‌ها، سامان یافتن اراضی پیرامون و به‌ویژه مزارع و باغات بوده است. دربارهٔ جابه‌جایی جمعیت و شکل‌گیری آبادی‌های پیرامون و نحوهٔ تعامل و ارتباط آن‌ها با شهر آگاهی وجود ندارد. با وجود داده‌های اندک، می‌توان پنداشت که وضع شهر کرمان با گذر از دوران ساسانی، تا رسیدن به سدهٔ چهارم هجری، سرنوشتی نزدیک به بسیاری از شهرهای ایران داشته است. با طرح این نظر که شهرنشینی پس از اسلام در ایران از یک‌سو با تداوم زندگی شهری ساسانی و ازسوی دیگر با دگرگونی تدریجی همراه بوده است. در این دوره وضع سیاسی (اداری و نظامی)، اقتصادی و اجتماعی شهر با تحولاتی اندک همچنان پابرجا ماند و به‌علت وسعت امپراتوری اسلامی و گسترش بازار مبادلات در قرن‌های سوم و چهارم، شهرنشینی رونق فراوانی یافت و سیمای شهرها دچار دگرگونی شد. شهرها و روستاهای پیرامون آن‌ها در نظام‌های منطقه‌ای با یکدیگر پیوند خوردند و مجموعهٔ همبسته‌ای را پدید آوردند که نتیجهٔ اصلی آن رونق فعالیت تجاری و تولیدی بود (اشرف، ۱۳۵۲، ۱۰).



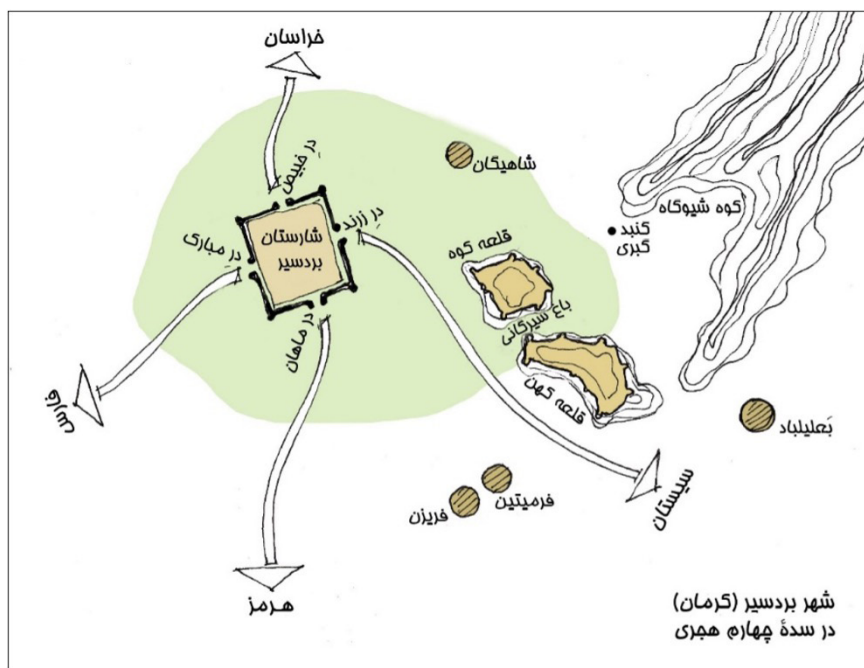
شکل ۱۰. ترکیب عناصر شهری کرمان در دورهٔ ساسانی و سده‌های نخست هجری

به‌نظر می‌رسد، شهر تا رسیدن به سدهٔ چهارم هجری چندان رشد نکرده و توسعه نیافته بود، اما با انتقال دارالملک از سیرجان به بردسیر، گام بزرگی در مسیر تحول شهری نهاده و همهٔ مشخصه‌های یک شهر مستحکم را به خود پذیرفته بود. پهنه‌های اصلی شهر در سدهٔ چهارم هجری از این قرار بوده است:

۱. «دژها»ی بیرون شهر بر بلندای کوهچه‌ها، ۲. «شارستان» محصور در حصار و بارو و خندق، ۳. «باغات و مزارع» پیرامون و ۴. «آبادی‌هایی چند» که بیرون شهر قرار داشتند (شکل ۱۱).

ساختار شهری بردسیر (کرمان) را می‌توان با توجه به سلسله‌مراتب، نحوهٔ ارتباط و کارکرد هریک از پهنه‌های یادشده تعریف کرد. قلعه‌های سوی شرقی خارج شهر کارکرد دفاعی داشته و از نظر فضایی، همچون گذشته، گسسته از شهر تعریف شده بود و تلاشی برای اتصال شهر به آن صورت نگرفته بود؛ بنابراین از نظر شاکلهٔ شهری، همچون دیگر کهن‌دژها، که متصل و ممزوج با شهر می‌شدند، نبود. ترکیب کهن‌دژ و شارستان مبد، بهم، نیشابور، مرو و دربند نمونه‌هایی از شهرهای ایرانی‌اند که کهن‌دژ و شهر به هم متصل‌اند. در بردسیر، شارستان با سازوکار دفاعی مستقل، نه تنها محل حضور و زندگی مردم، بلکه مکان استقرار فرمانروا و لشکریانش نیز بود و شریف و وضع در آن سکونت داشتند. باغات و مزارع کشاورزی در عرصه‌های پیرامون شهر گسترده بوده و آبادی‌هایی چند و به فاصلهٔ از هم فضاها را دیگر شهر را تشکیل می‌داد. به گفتهٔ مورخان کرمانی، تا

میانۀ سده پنجم هجری، هنگامی که سلجوقیان کرمان فرمانروایی‌شان را آغاز کردند (سده پنجم هجری)، بیرون شهر عمارت نداشت (ابوحامد کرمانی، ۱۳۷۳، ۱) و شهر دوران حاکمیت آل‌الیاس و دیلمیان عمدتاً منحصر به داخل حصار بود که شاکله اصلی آن همان شارستان دوره ساسانی است.

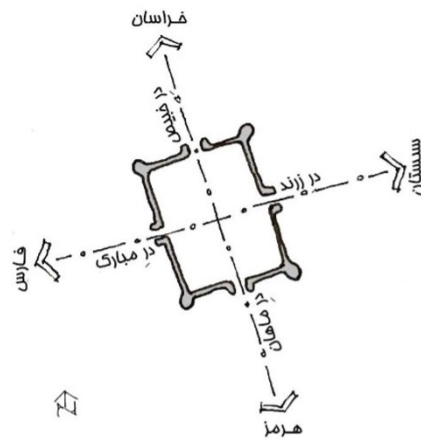


شکل ۱۱. کروکی از اندام‌ها و عناصر و سازمان فضایی شهر بردسیر در آخر سده چهارم هجری

شهر سه قلعه برپا داشت. آن گونه که پیش از این گفته شد، دو قلعه بیرون شهر، یکی «قلعه کوه» یا «قلعه کبیره» که به شهر نزدیک بود و دیگری «قلعه کهن» که در منتهی‌الیه غربی قرار داشت. این قلعه‌ها که از دوره ساسانی و شاید پیش از آن وجود داشتند و همواره به عنوان استحکاماتی مطمئن در برابر حمله دشمنان محسوب می‌شدند، در این روزگار همچنین برای نگهداری محبوسین و مغضوبین حکومتی استفاده می‌شد. این قلعه‌ها علاوه بر برج و بارو، خندق جداگانه داشتند. شهر بردسیر قلعه دیگری داشت که داخل حصار برپا شده بود و به گمان «قلعه نو» مورد اشاره در عقدالعلی باید همین دژ باشد که ابوعلی‌الیاس آن را برای استقرار فرمانروای کرمان ساخته بود و خود با چهارپا از آن بالا می‌رفت و شب‌ها در آنجا می‌خفت. اثری از این دژ برجای نمانده است. باین حال از گزارش مقدسی مبنی بر هم‌جواری دژ و مسجد جامع در درون شهر (مقدسی، ج ۲، ۱۳۶۱، ۶۸۳)، ترکیب دارالعماره و مسجد جامع یکی دو سده نخستین هجری و بعد ترکیب قصر حکومتی و فضای باز شهری مانند میدانی طرح‌اندازی شده به هم پیوند می‌خورد. میدانی که ساخت آن به عضدالدوله دیلمی نسبت داده شده (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶، ۱۲۵) اگر درون شهر پنداشته شود، می‌تواند تکامل مجموعه شهری موصوف را با چنین فضای بازی نشان دهد. اکنون کمبود اسناد و شواهد راه را بر پرداختن به گزاره یادشده درباره مکان و ساختار عناصر و فضاها می‌بندد.

در سده چهارم هجری، پهنه شهر که محله‌های شهر در آن واقع بود و زندگی مردم در سراهای آن جریان داشت، همچون گذشته محصور در حصار و بارویی محکم بود و گرداگرد آن را خندقی ژرف محافظت می‌کرد. استحکامات دورتادور شهر را، که مورد اشاره تاریخ‌نامه‌هاست، در سده چهارم هجری بر تهرنگ دوره ساسانی

برپای کردند که به نظر می‌رسد آن را تعمیر کرده و توسعه دادند. چهار دروازه به چهار سو گشوده بودند و امکان عبور و مرور به داخل و بیرون شهر، از روی پل وجود داشت. «در ماهان» سوی دریای جنوب و رو به جیرفت و هرمز، «در زرنده» سوی شرقی و رو به قلعه‌ها و سیستان، «در خبیص» سوی شمالی و رو به خراسان باز می‌شد. بنابراین سه تا از دروازه‌های یادشده را به نام نزدیک‌ترین شهرهایی که دروازه‌ها به آن سو گشوده می‌شد نام‌گذاری کرده بودند، اما دلیل نام‌گذاری «در مبارک» روشن نیست. این در هم قاعدتاً سوی غرب و رو به راه فارس و یزد داشت (شکل ۱۲). شاید به اردشیر روزگار ساسانی را چهار دروازه بوده که به سنت دیگر شهرهای این روزگار به چهار سو گشوده می‌شد. اردشیر خوره (شهر گور) شهری با چهار دروازه به چهار سوی عالم بود (بارتلد، ۱۳۰۸، ۲۱۵) آمل چهار دروازه به نام‌های گرگان، گیلان، دریا و کوهستان داشت (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ۷۰). چهار دروازه جی اصفهان عبارت بودند از یهودیه، طبریه، خور و خراسان.

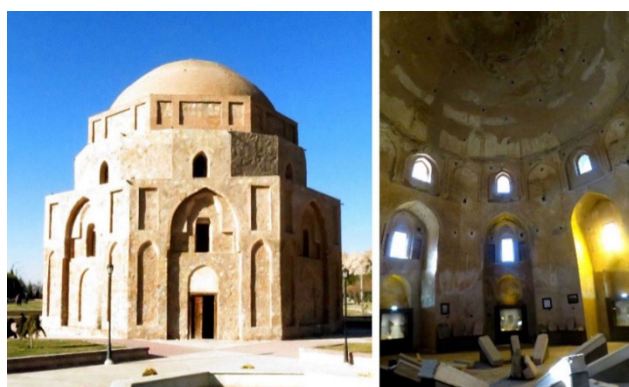


شکل ۱۲. دروازه‌های شهر بردسیر در سده چهارم هجری به جهت‌های چهارگانه گشوده بود

علاوه بر قلعه حکومتی، کاخی ساخته یسع، پسر ابوعلی الیاس هم درون شهر وجود داشت که به آن «سرای ملک» اطلاق می‌شد و آن را هم در همین روزگار برپای کرده بودند. «سرای راین» و «سرای سیرجانی»، را که عضدالدوله بنا کرده بود نمی‌توان تعیین موضع کرد؛ اینکه در شارستان قرار داشته یا بیرون از شهر، به همان موضع باغات پیرامون شهر، معلوم نیست. از معابر و گذرها و دیگر فضاها و مستحدثات شهری آگاهی در دست نیست.

زمین‌های هموار بیرون شهر، عرصه‌های وسیعی بودند که عملاً امکان احداث باغ‌های شاداب و شگفت‌انگیز را مهیا می‌ساختند. دوراز انتظار نیست که با اهمیت یافتن شهر در سده چهارم هجری، اهتمام بیشتری برای کشیدن رشته‌های جدید قنات و افزایش آب برای مشروب ساختن درختان صورت گرفته باشد. مقصود از «باغات شگفت‌انگیز»، که مقدسی در همین زمان به آن اشاره دارد و شاید خود آن‌ها را دیده، به گمان باغ‌های طرح‌اندازی بوده که باغات تفرجگاهی و سکونتی محسوب شده و بانیان‌شان حاکمان و متمولان شهر بودند. باغ سیرگانی یا سیرجانی واقع در عرصه میان قلعه کوه و قلعه کهن از شهرت بیشتری برخوردار بوده که به ابوعلی الیاس و عضدالدوله نسبت داده شده است.^۸ باغات میوه باید سوای این باغات باشد که در کنار مزارع، کشت‌وکار مردم شهر در آن جریان داشت و معیشت مردم از آن تأمین می‌شد. در جایی اشاره نشده که وسعت این عرصه‌های سرسبز چقدر بوده، چه می‌کاشتند و با آب چه کاریزهایی مشروب می‌شدند. ظاهراً آبادی «بعلی‌باد» در سده حدود چهارم هجری، در جریان توسعه شهری ابوعلی الیاس بنیان نهاده شد.^۹

این آبادی همواره به‌عنوان مکان تفرجگاهی فرمانروایان و شاهزادگان کرمان ماند و تا سده‌های بعد به خوشی آب‌وهوا و سراهای معظم و باغاتش شهرت یافت. جز بعلیاباد که سوی شرقی قلعه‌ها و در دامن کوه واقع شده، گفته‌شد که پیش از این، «شاهیگان» و «گازرگاه» هم در پای کوه شیوگاه، واقع در سوی شمال شهر وجود داشته و جایی خوش بوده‌اند. از آبادی‌های دیگر نامی به‌میان نیامده، اما باید پنداشت که مردم در آبادی‌های دیگری هم به‌ویژه سوی جنوب شهر می‌زیستند. اما نه به آن اندازه اهمیت که ریح شهر را شکل داده باشند. نکته دیگر، وجود مصلی در صحرای خارج شهر است که موضع آن معلوم نیست، اما از دیگر بناهای خارج از شهر، که در این دوره ساخته شده، می‌توان «گنبد جبلیه» (شکل ۱۳) در پای کوه شیوگاه را نام برد که مشخصه‌های کامل معماری سده چهارم هجری را دارد. این بنای آرامگاهی استوار مانده و در زمره گونه‌بناهای آرامگاهی با کارکرد یادمانی است که در روزگار فرمانروایی آل‌بویه و سامانیان در بسیاری از نقاط ایران برپای می‌داشتند.



شکل ۱۳. گنبد جبلیه واقع در محوطه دامن کوه شیوگاه (شیوشگان)

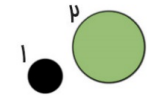
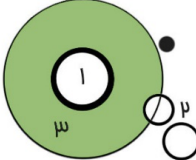
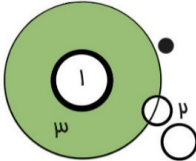
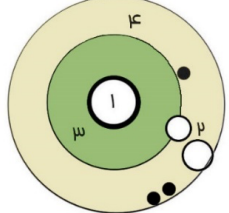
چشم‌انداز و روند تحول سازمان فضایی شهر

شهر کرمان به‌لحاظ جغرافیایی در جایی بنا شد که برخوردار از مواهب و امکانات طبیعی چندانی نبود. مهم‌ترین آن آب جاری برای جمعیت‌پذیری کم شهر بود (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶، ۱۹۵) اما دلایل پیدایش شهر را باید در ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی جست. غلبه بر کم‌آبی ناشی از جبر طبیعت با ابداع قنات و کشیدن رشته‌های آن به شهر صورت گرفت که باید هم‌زمان با بنیاد شهر پنداشته شود. پیش از آن، مطابق گزارش‌های تاریخی، در موضع شهر کرمان، زیستگاهی روستایی همراه با نزهتگاهی وجود داشت که آب جاری پای کوه شیوگاه و چشمه‌های معدود تکافوی جمعیت محدود آن را می‌کرد. هسته نخستین شهر را همانا روستای موصوف می‌توان پنداشت. تاریخ بنیاد این دهکده را نمی‌توان به‌درستی معلوم کرد. در حوالی روستای سرآسیاب، از روستاهای توابع جنوب شرقی شهر کرمان که سابقاً بعلیاباد نامیده می‌شد، آثار روستای پیش از تاریخی نزدیک به دوران آغاز شهرنشینی کشف شد (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸، ۴۱۲-۴۱۴). با وجود کمبود داده‌های باستان‌شناسی، شاید بتوان پنداشت که روستاهای بیشتری در منطقه وجود داشته و دهکده موصوف در موضع شهر کرمان در هزاره‌های پیش از تاریخ از این دست سکونتگاه‌ها بوده است.

این شهر به‌طور جدی در ابتدای ظهور ساسانیان در زنجیره شهرهایی سامان یافت که شاه اردشیر به همراه شهرهای دیگر بنا کرده بود. شهر به‌اردشیر در این روزگار از سازمان فضایی ویژه‌ای برخوردار بود که متشکل از دژها بر بالای کوهچه‌های شرقی و با فاصله‌ای، پهنه سکونت مجهز به حصار و بارو در دامن غربی دشت قرارداد شده و باغاتی در پیرامون شهر گسترده بود. بنابراین شهر از ابتدا با الگوی شناخته‌شده شهرهای ایرانی

که شامل کهن‌دژ و شارستان و ربض (بیرونه) بوده، پایه‌گذاری نشد، بلکه نحوه شکل‌گیری و توسعه شهر عمدتاً تابع موقعیت طبیعی و تحولات سیاسی بوده است. چنین منظری از شهر با منطق درونی شکل‌گیری و تکامل شهرهای قدیم سازگاری دارد که منطبق بر محیط طبیعی و مسائل سیاسی، اجتماعی و انسانی است (San- dalack & Nicolai, 2013, 189). سازمان فضایی در سده‌های نخست هجری چندان دگرگون نشد. اندک تحولاتی در اندام‌های درونی شهر، به وجود آمد، اما ساختار اجتماعی شهر با افزایش نفوذ مسلمانان، به تدریج دچار دگرگونی شد. برپایی مسجد جامع عتیق با مکان‌گزینی در داخل بارو و حصار، نشانه روشنی از تحول اجتماعی - مذهبی در آغاز سده دوم هجری است. در سده چهارم هجری با انتقال دارالملک از سیرجان به بردسیر (۳۱۰ق) توسط ابوعلی الیاس فرمانروای سامانی، و سپس با تسلط حاکمان آل‌بویه، این شهر راه ترقی درپیش گرفت. در این زمان استحکامات شهر را بر تهرنگ دوره ساسانی تجدید کردند و چهار دروازه در چهار جهت به شهر گشودند و دژ داخل شهر را ساختند که نشیمن فرمانروا بود. علاوه بر این، عرصه‌های بیرون شهر جریان آبادانی درپیش گرفته و با تأمین منابع آب کاریزی، باغات شگفت‌انگیز و مزارع و روستاهایی سربرآورد که محل زیست و کشت و کار مردم بوده و ضمناً جنبه تفرجگاهی داشتند (جدول ۲).

جدول ۲. ویژگی‌ها و ترکیب فضای شهری کرمان از بنیاد تا انتهای سده چهارم هجری، در چهار برش تاریخی

دوره تاریخی	تقسیمات سرزمینی	اندام‌ها و عناصر کلان شهری	بناها و فضاهای	کروکی الگوی فضایی
پیش از دوره ساسانی	روستا	دهکده / تفرجگاه / کاریز	آتشخانه / خانه‌های مردم و بناهای دیگر	 ۱. دهکده ۲. تفرجگاه
ساسانی	شهر	دژها / شهر داخل / حصار و بارو / باغات / کاریز	آتشکده / گنبد گنج / خانه‌ها و بناهای دیگر	 ۱. شهر ۲. دژها ۳. باغات
سده‌های نخست هجری	شهرستان	دژها / شهر داخل / حصار و بارو / باغات / کاریز	آتشکده / مسجد جامع عتیق / خانه‌ها و بناهای دیگر	 ۱. شهر ۲. دژها ۳. باغات
سده چهارم هجری	شهرستان / دارالملک	دژها / شهر داخل / حصار و بارو (شارستان) / با چهار دروازه / باغات / مزارع / آبادی‌ها / کاریز	مسجد جامع / قلعه شهر (قلعه نو) / سرای ملک / سرای سیرجان / سرای راین / میدان / خانه‌های مردم / باغ / سیرگانی / گنبد جلیله / مصلی و دیگر بناها	 ۱. شهر ۲. دژها ۳. باغات ۴. آبادی‌ها

وجود دژ داخل شهر، کاخ حاکم، باغ و میدان نزدیک دروازه می‌تواند نشانه‌هایی از دگرگونی سازمان فضایی درون شهر تفسیر شود، اما نحوه و چیدمان آن‌ها ناشناخته است و نسبت آن‌ها با عرصه‌های زیستی و عمومی روشن نیست. پیداست که سازمان فضایی کلان شهر دگرگون نشده و در برگریزان رویدادهای زمانه و رویش‌های نو، تنه و شاخه‌های اصلی جایگاه و کارکرد خود را حفظ کردند. تا این مرحله، دشوار نیست بفهمیم که سازمان فضایی شهر بر پایه آنچه که در دوره ساسانی طرح‌اندازی شده بود، همچنان اندام‌ها و فضاها و خطوط اصلی را حفظ کرده و بنا به نیاز زمانه راه تحول را می‌پیمود. مجموع اقدامات صورت گرفته تا پایان سده چهارم هجری، صورت دگرگون شده‌ای از ساختار فضایی کلان شهر را بروز نمی‌دهد. به تأیید تواریخ کرمان، رض بیرون شهر در روزگار سلجوقیان پا گرفت و بر وسعت و آبادیش افزوده شد (ابوحامد کرمانی، ۱۳۷۳، ۱). بنابراین تحولات چهار سده نخست هجری را می‌توان به فراهم آوردن زمینه رشد فضایی و اقتصادی شهر، برای شکل گرفتن پهنه گسترده رض* و اجزای وابسته بدان در آینده تحلیل کرد که در سده پنجم هجری به تکامل رسید و توسعه و رونق شهر را به‌نحو دیگری رقم زد.

نتیجه‌گیری

این نوشتار در جستجوی تحولات شهری کرمان و بیان چگونگی و الگوی این تحولات، در بازه زمانی بنیان تا انتهای سده چهارم هجری تدارک دیده شد و با وجود داده‌های اندک تاریخی و شواهد موجود، به نتایجی چند برای ارائه پاسخ‌ها، به استدلال‌ها و استنباط‌هایی منتهی شده که ناچار، گاه با گمان همراه است. تحول عمیق از تبدیل روستا به شهری با اهمیت دفاعی و اقتصادی در ابتدای روزگار ساسانی و تکامل آن و سپس دگرگونی تدریجی در اجزای درونی و برونی شهر پس از اسلام در محدوده زیستی داخل حصار، بیان‌گذاری از چشم‌انداز تحولات شهر به دست می‌دهد. هرچند تصویری از سازمان فضایی کلان به دست آمده، اما اجزا و سازمان درونی شهر پیش از اسلام در نبود شواهد شهری و معماری و اسناد معتبر ناشناخته می‌ماند. برخی اندام‌ها و عناصر و فضاهای درونی شهر پس از اسلام، به‌ویژه در سده چهارم هجری در این پژوهش به‌طور مجرد احصاء شده، اما نسبت آن‌ها با یکدیگر و با دیگر اجزاء و نحوه سازمان‌دهی فضاها ناروشن است.

سده چهارم هجری، هم‌زمان با استقلال نسبی حکومت‌های ایرانی از دستگاه خلافت و رشد و اعتلای معماری و آبادانی شهرها و سرزمین در ایران است. شهر بردسیر با وجود حاکمان سامانی و بویی، از این امتیاز برخوردار شد. تجدید حیات علمی ایران، با تکیه بر احیای فرهنگ ایرانی در این روزگار به‌وقوع پیوسته و حکما و دانشمندان بزرگی در شعر و نثر فارسی، پزشکی، ریاضی، فلسفه و دیگر علوم عقلی و نقلی گام‌های بزرگی برداشتند. سامانیان و آل‌بویه پرچم‌دار نوزایی فرهنگی، که پیش از آن توسط آل‌زیار و صفاریان آغاز شده بود، به شمار می‌روند. شهرسازی و معماری هم برکنار از این تحولات و نوزایی فرهنگ ایرانی نبود. بلکه بسیاری از تحولات شهر و معماری در این دوره مشق می‌شد تا سلسله‌های بعد گام‌های دیگری بردارند. کرمان هم جزء شهرهایی است که از این تحولات و شکوفایی‌ها برخوردار شده است. دنباله منطقی این پژوهش می‌تواند با تبیین تحولات شهری کرمان در سده‌های پنجم به بعد، به‌ویژه تا میانه‌های سده هجری پی‌گیری شود. در این بازه زمانی شهر کرمان با وجود توصیف‌هایی که تاریخ‌نامه‌های محلی به دست می‌دهند و برخی آثار و شواهد به‌جای‌مانده وضوح بیشتری نسبت به سده‌های پیشین می‌یابد.

شهر کرمان از نظر برخورداری از پژوهش‌های ساختارمند باستان‌شناسی و تاریخ معماری، که می‌تواند فراهم‌آورنده اسناد، شواهد و مواد فرهنگی قابل استناد برای تبیین تحولات شهر باشد، مهجور مانده است.

پژوهش دژهای دختر و اردشیر به سبب ماهیت معلوم‌شان اهمیت ویژه‌ای دارند. باستان‌شناسی شهری نیز می‌تواند در یافتن نشانه‌های شهری گذشته‌های دور یاری شایانی برساند، زیرا آثار و بقایای پیش از اسلام و چند سده بعدِ کرمان ویران و زیرِ ساخت‌وسازهای دوره‌های بعد رفته است. آنچه که در عرصه‌ها و اندام‌های شهر ممکن است باقی مانده باشد، در جریان نوسازی‌های گسترده‌ای که چند دهه اخیر به راه افتاده، محو و نابود می‌شود. بنابراین لایه‌نگاری معماری بناها، به‌ویژه در عرصه احتمالی هسته کهن شهر اهمیت دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. گشتاسب پس از کناره‌گیری پدرش لهراسب بر تخت نشست. زرتشت پیامبر در زمان او ظهور کرد و او دین زرتشت را پذیرفت و در استحکام و انتشارش کوشید (دوستخواه، ۱۳۷۱، ۱۰۴۵-۱۰۴۶). درباره انطباق او با شاهان واقعی ایران اختلاف وجود دارد. برخی او را با پدر داریوش هخامنشی یکی دانسته‌اند.
۲. در تواریخ محلی کرمان از دیه «آصف» نام برده شده که باید تغییر یافته «اسف» باشد.
۳. کوه شیوشگان که به سیدحسین هم شهرت دارد (باستانی پاریزی، ۱۳۳۵، ۴۰).
۴. شهرهای این کوره عبارت‌اند از: ماهان، کوغن، زرن، جنزود، کوبیان [کوبنان]، قواف، اواناس، زاور، خوناب، غبیر و کارشتان.
۵. پیش از این باغ سیرگانی مذکور به ابوعلی‌الیاس نسبت داده شده بود.
۶. حمزه اصفهانی این شهرها را نام برده است: اردشیرخره، به‌اردشیر، بهمن‌اردشیر، اشاردشیر، رام‌اردشیر، رام‌هرمز اردشیر، هرمزاردشیر، بوداردشیر، و هشت‌اردشیر و بتن‌اردشیر.
۷. نام ضراب‌خانه گواشیر با حروف پهلوی (گو) بر روی سکه نشان داده شده است (امینی، ۱۳۹۵، ۲۶۷). البته تا انجام تحقیقات بیشتر و دقیق‌تر این خوانش را باید یک احتمال در نظر گرفت.
۸. گمانه‌زنی باستان‌شناسی سال ۱۳۹۸ در عرصه میان دو قلعه، وجود آثار معماری و مواد فرهنگی را به اثبات رسانده است (ریاحیان، ۱۳۹۹، ۴۰۴).
۹. وزیر کرمانی، بعلی‌باد را «باغ سرآسیاب» روزگار قاجار معرفی کرده (وزیری کرمانی، ۱۳۴۰، ۲۸۰) و باستانی پاریزی در حاشیه کتاب سلجوقیان و غز: بعلی‌باد را همان بالی‌باد دانسته که امروز آبادی سرآسیاب کرمان در آن حدود است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۳، ۳۷) و در جای دیگری، آن را مأخوذ از ابوعلی‌الیاس دانسته است: بالی‌باد - بعلی‌آباد - بوعلی‌آباد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶، ۲۰۲).

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). تاریخ کامل (مترجم: سیدحسین روحانی)، جلد ۴، چاپ سوم. تهران: اساطیر.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمدبن حسن (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان (تصحیح عباس اقبال). تهران: کلاله خاور.
- ابن حوقل (۱۳۶۶). صورة الارض (مترجم: دکتر جعفر شعار). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌رسته، احمدبن عمر (۱۳۸۰). الأعلاق النفیسه (مترجم: حسن قره‌چانلو)، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- ابوحامد کرمانی، افضل‌الدین (۱۳۷۳). سلجوقیان و غز در کرمان. تحریر محمدبن ابراهیم خبیصی (مقدمه، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی)، چاپ دوم. تهران: کورش.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی. جلد شمار از نامه علوم اجتماعی. دوره اول.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۷). مسالک و ممالک (به کوشش ایرج افشار). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعثم کوفی، محمدبن علی بن (۱۳۷۲). الفتوح (مترجم: محمدبن احمد مستوفی هروی، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- افضل‌الدین کرمانی، احمدبن حامد (۱۳۵۶). عقد‌العلی للموقوف‌الأعلی (تصحیح و اهتمام علی محمد عامری نائینی). تهران: روزبهان و کرمان: دانشگاه کرمان.
- امیرحاجلو، سعید، امامی، سیدمحمدامین، آقاگلی، داوود، وریاحیان، رضا (۱۳۹۹). معرفی و طبقه‌بندی و ساختارشناسی کاشی‌های زرین‌فام یافت شده از قلعه دختر کرمان. پژوهش باستان‌شناسی، ۲ (۶)، ۲۴-۱.
- امینی، امین (۱۳۹۵). سکه‌های ایران پیش از اسلام در موزه مرکزی آستان قدس رضوی. تهران: پازینه، با همکاری

- سازمان کتابخانه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- اهری، زهرا (۱۳۹۵). تأملی بر مفهوم ساختار و چگونگی شناسایی آن در شهر ایرانی پیش از دوران مدرن. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۱، ۴۵-۶۸.
 - بارتلد، و (۱۳۰۸). تذکره جغرافیای تاریخی ایران (مترجم: حمزه سردادور). طهران: چاپخانه اتحادیه.
 - باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۳۵). راهنمای آثار تاریخی کرمان. تهران: اداره کل فرهنگ کرمان.
 - باستانی پاریزی، محمدابراهیم (بهار و تابستان ۱۳۳۸). ابنیه دختر، قلعه دختر کرمان. نشریه باستان‌شناسی، ۱ و ۲، ۱۰۵-۱۳۷.
 - باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۶). شهرهای ایران (به کوشش محمدیوسف کیانی)، جلد ۲. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۹۵-۲۰۶.
 - باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۳). در سلجوقیان و غز در کرمان. افضل‌الدین ابوحامد کرمانی (تحریر محمدبن ابراهیم خبیصی)، چاپ دوم. تهران: کورش.
 - برونر، کریستوفر (۱۳۹۳). تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد. تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده احسان یارشاطر (مترجم: حسن انوشه)، جلد سوم، قسمت دوم، چاپ ششم. تهران: امیرکبیر، ۱۴۹-۱۸۸.
 - بی‌نا (۱۳۶۱). حدود العالم الی المشرق والمشرق (به کوشش منوچهر ستوده). تهران: کتابخانه طهوری.
 - پوراحمد، احمد (۱۳۷۰). جغرافیا و ساخت شهر کرمان. تهران: جهاد دانشگاهی.
 - جیهانی، ابوالقاسم‌بن احمد (۱۳۶۸). اشکال العالم (مترجم: علی‌بن عبدالسلام کاتب، مقدمه و تصحیحات فیروز منصوری). مشهد: آستان قدس رضوی و شرکت به‌نشر.
 - حمزه اصفهانی، حسن (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الأرض و الانبیاء) (مترجم: جعفر شعار). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
 - دریایی، تورج (۱۳۸۸). شهرستان‌های ایران‌شهر (مترجم: شهرام جلیلیان). تهران: توس.
 - دوستخواه، عبدالجلیل (۱۳۷۱). اوستا، کهن‌ترین سرود و متن‌های ایرانی، جلد ۲. تهران: مروارید.
 - ریاحیان گهرتی، رضا (۱۳۹۸). نویافته‌های قلعه اردشیر و دختر شهر کرمان. مجموعه مقاله‌های چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
 - ریاحیان گهرتی، رضا (۱۳۹۹). گمانه‌زنی به‌منظور تدقیق عرصه و حریم قلعه اردشیر و دختر کرمان. مجموعه مقالات گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (گردآورنده: روح‌الله شیرازی). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۴۰۳-۴۱۲.
 - سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). سفرنامه سرپرسی سایکس یا هزار میل در ایران (مترجم: حسین سعادت‌نوری). تهران: لوحه.
 - سرفراز، علی‌اکبر و محمود تیموری (۱۳۹۲). بازشناسی سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی. هنر و تمدن شرق، ۱ (۱)، ۹-۱۶.
 - شاه‌محمدپور، علیرضا (۱۳۹۳). الگوی طراحی شهری بیشاپور. مطالعات معماری ایران، ۶ (۴)، ۱۰۷-۱۲۵.
 - فرای، ریچارد. ن (۱۳۸۸). عصر زرین فرهنگ ایران (مترجم: مسعود رجب‌نیا). چاپ چهارم، تهران: سروش.
 - کالینز، پاول (۱۳۹۶). کوه‌ها و دشت‌ها، ایران باستان و بین‌النهرین (مترجم: عباس مقدم). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
 - کمانداری، محسن (۱۴۰۰). بررسی سیر تحولات تاریخی شهر و بافت کهن کرمان از ساسانیان تا قاجاریه. جغرافیا و روابط انسانی، ۴ (۲)، ۱۲۱-۱۴۲.
 - گالدیری، اوژن (۱۳۷۰). مسجد جامع اصفهان (مترجم: عبدالله جبل‌عاملی). اصفهان: مرکز میراث فرهنگی اصفهان.
 - گوبه، هانس (۱۳۶۵). ارگ بم (مترجم: کرامت‌الله افسر). در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران (به کوشش محمدیوسف کیانی). تهران: چاپ ارشاد با همکاری هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما)، ۳۰۲-۳۱۹.
 - لسترینج، گای (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی (مترجم: محمود عرفان). چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
 - لینچ، کوین (۱۳۸۱). تئوری شکل شهر (مترجم: سیدحسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الأقالیم، جلد ۲ (مترجم: علینقی منزوی). تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
 - مرادی، اصغرمحمد (۱۳۷۸). کنکاشی پیرامون شهر قدیم کرمان. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و

- شهرسازی ایران (به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۳۶۴-۳۲۵.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر محمد بن نصر (۱۳۳۶). نزهة القلوب (به کوشش محمد دبیرسیاقی). تهران: کتابخانه طهوری.
 - مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۹۴). تاریخ گزیده (به اهتمام عبدالحسین نوایی). چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
 - ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۷۸). ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیدهدم شهرنشینی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
 - منتظری، مرجان، لعیا جهانشاهلو و حمید ماجدی (۱۳۹۶). تحولات ساختار فضایی کالبدی شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن. مطالعات محیطی هفت‌حصار، ۲۱، ۲۷-۴۲.
 - منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۲۸). بسمط‌العلی للحضره‌العلیا (به تصحیح و اهتمام: عباس اقبال) (تحت نظر: محمد قزوینی). طهران: شرکت سهامی چاپ.
 - منصوری، سید امیر (۱۳۸۶). دو دوره فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام، با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. باغ نظر، ۷، ۴۹-۶۰.
 - مهریار، محمد (۱۳۷۴). سیر تحولات معماری مسجد جامع ساوه. مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران - ارگ بم. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
 - وزیر کرمانی، احمدعلی‌خان (۱۳۴۰). تاریخ کرمان یا سالاریه (تصحیح و تحشیه و مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی). تهران: دانشگاه تهران.
 - وزیر کرمانی، احمدعلی‌خان (۱۳۴۵). جغرافیای مملکت کرمان (به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی). نشریه فرهنگ ایران زمین، ۱۴، ۵-۸۷.
 - هوف، دیتريش (۱۳۶۵). شهرهای ساسانی (مترجم: محمدرحیم صراف). تهران: بینا.
 - Bacon, E. N. (1976). *Design of Cities*. New York: Penguin Books.
 - Groat, L., & Wang, D. (2013). *Architectural Research Methods*, Second edition. New Jersey: John Wiley and Sons.
 - Karimi, K. (1997). *The Spatial Logic of Cities in Iran and United Kingdom. 1st International Space Syntax Symposium*, London.
 - Mumford, L. (1961). *The City in History, Its Origins, Its Transformation and Its Prospects*. New York: Harcourt, Brace and World.
 - Sandalack, B., & Nicolai, A. (2013). Time, Place and Structure: Typo- Morphological Analysis of Three Category Neighborhoods. In Kirsten Valentine Cadieux and Laura Taylor (Eds.), *Landscape and the Ideology of Nature in Exurbia: Green Sprawl* (185-215). Routledge.
 - Vance, J. E. (1977). *This Scene of Man, the role and structure of the city in the geography of Western civilization*. New York: Harper's College Press.
 - Wiedmann, F., Salama, A. M., & Thierstein, A. (2012). Urban Evolution of the City of Doha: An Investigation into the Impact of Economic Transformations on Urban Structures. *METU Journal of Faculty of Architecture*, 35, 35-61.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 نیک‌زاد، ذات‌الله (۱۴۰۲). بازخوانی تحولات تاریخی شهر کرمان با تکیه بر تبیین ساختار فضایی شهر از بنیاد تا پایان سده چهارم هجری. نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۶ (۴۲)، ۶۵-۸۶.

DOI: 10.30480/AUP.2023.4635.2011

URL: http://aup.journal.art.ac.ir/article_1260.html

Rereading the Historical Developments of Kerman City Emphasizing the Explanation of the Spatial Structure of the City from the Foundation to the End of the 4th Hijri Century

Zatollah Nikzad

Assistant Professor, Department of Historical Buildings and Urban Fabrics, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism,
Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract

The city of Kerman was founded in ancient times. This city, like many cities, has changed along with historical events, and that's why the reading of the distant past of the city is associated with a lot of ambiguity, which is related to the lack of sources, documents and evidence. The majority of the knowledge about the urban characteristics of Kerman is related to the Safavid and Qajar periods, as many repairs and transformations occurred in the city in these later eras. Urban development and constructions of these periods mainly replaced older buildings and spaces and did not leave many traces of the past. In this article, the developments of the city until the fifth Hijri century are examined, which includes before the Sassanid kingdom until the reign of the Samanids and Byyieds in the Kerman region. The questions are: How and with what pattern did the developments in the city of Kerman occur from its foundation to the fifth Hijri century? And what spatial composition and elements did the city have in each period? The study of Kerman's foundation and urban developments is carried out with the interpretive-historical method and by searching in historical books and examining architectural and urban evidence and remains. Historical reports are vague and general, and as a result, they need precision and interpretation so that urban concepts can be extracted from them. Also, the evidence left from the discussed periods is very little. The aim of the research is to understand the spatial structure of the city in each period and the pattern of its changes. The city of Kerman with the name "Beh-Ardeshir" was built during the time of Ardeshir Babkan on an old village. This work was done by building fortresses on a hill and building a walled city in the eastern area of the plain. This city was in the chain of early Sassanid cities. From the beginning, the city had an economic and defensive position. The spatial structure of Beh Ardeshir with minor changes in architectural and urban elements and social context was preserved until the first Hijri centuries. Except for the addition of the Jame Atiq Mosque and some other buildings, they did not bring about a significant change in the shape and design of the city. In the 4th Hijri century, when this city became the center of the region under the Samanid ruler's control, it experienced further developments and expansions. From this point, the spatial organization of the city included fortresses, Sharstan (enclosed by a fence) with four gates on four sides, gardens connected to the city and villages around where people lived and worked. This development marks a step towards the growth and development of the spatial and physical organization of the city, which had laid the groundwork for the development of Kerman city in the following periods.

Keywords: Kerman city, before Sassanid to the 4th Hijri century, pattern of urban developments, spatial structure of the city